

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه مترجم
۷.....	یادداشت ناشر
۹.....	فصل اول: زوبیکویتی Zoobiquity
۲۹.....	فصل دوم: دل نازک‌ها چرا غش می‌کنیم
۳۹.....	فصل سوم: یهودیان پلنگ و سرطان دایناسورها در دوران ژوراسیک
۶۵.....	فصل چهارم: طغیان شهوت رفتار جنسی حیوانات راهنمایی برای انسان
۹۷.....	فصل پنجم: سرخوشتی «نشئگی» در حیوان و انسان Zoophoria
۱۱۹.....	فصل ششم: ترس از مرگ
۱۴۱.....	فصل هفتم: سیاره چاق
۱۶۹.....	فصل هشتم: قشوکاری بی حد و مرز درد لذت و خاستگاه خودآزاری
۱۸۵.....	فصل نهم: هراس از غذا خوردن
۲۰۳.....	فصل دهم: کوالا و عفونت کلامیدیایی یک بیماری مقاربتی
۲۲۳.....	فصل یازدهم: ترک آشیانه
۲۴۳.....	فصل دوازدهم: زوبیکویتی zoobiquity

مقدمه مترجم

در تاریخ پزشکی، همواره تلاشی مستمر برای فهم پیچیدگی‌های بدن انسان، بیماری‌ها و درمان آن‌ها صورت گرفته است. با گذر زمان و تخصصی‌تر شدن علوم، شاخه‌های پزشکی و دامپزشکی، هر یک مسیر مستقل خود را پیموده‌اند و دیواری ناپیدا اما نیرومند میان یافته‌های زیست‌شناسی انسان و دیگر جانداران کشیده شده است. دانش پزشکی مدرن و دستاوردهای چشمگیر آن در چند دهه‌ی اخیر، چنان در تخصص‌گرایی و تفکیک شاخه‌ی خود غرق شده که ارتباط میان انسان و دیگر گونه‌های زیستی را نادیده گرفته و تنها در محیط‌های آزمایشگاهی - به‌طور تجربی - از حیوانات آزمایشگاهی برای پیشبرد اهداف پژوهشی خود ارتباط و بهره می‌گیرد.

دکتر باربارا نترسون Barbara Natterson-Horowitz متخصص قلب و عروق و روانشناس، به همراه کاترین بورز Kathryn Bowers، روزنامه‌نگار علمی، نویسندگان کتاب *Zoobioquity*، تلاشی آگاهانه برای فروریختن این دیوار و بازاندیشی در مفهومی بنیادین؛ پیوستگی زیستی میان انسان و دیگر جانوران، نموده‌اند. نامبردگان کوشیده‌اند پاسخی علمی، نوآورانه و جسورانه به این کمبود ارائه دهند و پیامی برای بازخوانی دانش پزشکی انسان در پرتو دامپزشکی، زیست‌شناسی حیوانات و رفتارشناسی گونه‌ها - با توجه به تفاوت‌های ظاهری آن‌ها با انسان - مطرح سازند.

واژه‌ی *Zoobioquity*، از ترکیب دو واژه‌ی «zoo» به معنی حیوان و «bioquity» به معنی «حضور فراگیر»، ساخته‌شده‌ی نویسندگان این کتاب و مفهومی نو در پزشکی معاصر است. این اصطلاح بر این فرض استوار است که بسیاری از بیماری‌ها، اختلالات روانی، رفتارهای آسیب‌زا و چالش‌های سلامت، نه منحصر به انسان، بلکه مشترک میان گونه‌های مختلف موجودات هستند. بر همین اساس، کتاب حاضر با بهره‌گیری از شواهد دامپزشکی و انسانی، از مواردی چون سکت قلبی در یک حیوان کیسه‌دار «کوآلا» گرفته تا بی‌اشتهایی عصبی در اسب‌های مسابقه، و از اضطراب اجتماعی در سگ‌ها تا سرطان در حیوانات باغ‌وحش، روایت‌هایی آموزنده و گاه شگفت‌آور ارائه می‌دهد.

معرفی این واژه برای نخستین بار در زبان فارسی و رواج آن در مکالمات اهل فن شاید دشوار و زمان‌بر باشد و انتخاب یک واژه یا عبارت کوتاهی که گویای تمامی زوایای مطرح در این رشته از دانش باشد نیز به همان نسبت دشوارتر. امروزه واژه‌ی Zoonose برای اهل فن به‌طور کامل شناخته

شده است؛ در حالی که این واژه در بیش از نیم قرن پیش - که دانشجوی دانشکده دامپزشکی بودم - وارد ادبیات پزشکی شد. در آن روزگار برای درک بهتر مفهوم علمی آن، و امروز نیز، گاهی از عبارت کوتاه «بیماری‌های مشترک» و در برخی از مواقع «بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان» استفاده می‌شود. شاید واژه «زوبیکویتی» نیز در طول زمان این مسیر را طی نماید.

انگیزه‌ی من از ترجمه این اثر، فراتر از صرف علاقه به پزشکی تطبیقی و دامپزشکی است. در جهانی که انسان بیش از هر زمان دیگری از زیست بوم خود فاصله گرفته و رابطه‌اش با طبیعت و جانوران در معرض گسست‌های بنیادین است، آثاری چون زوبیکویتی به ما یادآور می‌شود که مرز میان «ما» و «آن‌ها» نه تنها علمی نیست، بلکه گاه مانعی است در مسیر درک دقیق‌تر خودمان از پدیده‌های مرتبط با سلامت انسان. در دورانی که بیماری‌های نوظهور از حیوانات به انسان منتقل می‌شوند (مانند کووید-۱۹)، و سلامت زیست‌محیطی پیوندی ناگسستنی با سلامت فردی دارد، نگاه میان‌گونه‌ای، که این کتاب ترویج می‌کند، ضرورتی علمی، اخلاقی و حتی فرهنگی یافته است. نویسنده در فصل پایانی کتاب می‌گوید: «ارتباط بشر با حیوانات، قدمتی به درازای وجود انسان بر روی کره خاکی دارد و مشترکات بدنی و روانی بسیار زیادی بین انسان دوپا و حیوانات چهارپا وجود داشته و خواهد داشت و گریزی از آن متصور نیست. توجه به این نکات مفهومی فراتر از بالین بیماری را به پزشکان و بیماران نشان می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که به باغ‌ها، مزارع، جنگل‌ها، اقیانوس‌ها و آسمان‌ها نیز فکر کنند».

پاورقی‌های توضیحی زیادی افزوده‌ام که خواننده مجبور نشود به منابع دیگر رجوع کند. امید آن دارم که این اثر بتواند دریچه‌ای نو به سوی تفکر میان‌رشته‌ای بگشاید؛ دریچه‌ای که هم برای پزشکان و دامپزشکان، و هم برای زیست‌شناسان، روانپزشکان، پژوهشگران علوم رفتاری و علاقه‌مندان به پیوند انسان و طبیعت، الهام‌بخش باشد. شاید گامی هرچند کوچک، اما موثر برای بازگرداندن علم به بستر یکپارچه‌تر باشد. در پایان بر خود واجب می‌بینم که از همکاری پرثمر دوست و همکار ارجمندم «دکتر کیومرث نصری» استاد شناخته‌شده اپیدمیولوژی - که در ویرایش و «پیرایش» برگردان این کتاب بر من منت گذاشتند - نهایت سپاسگزاری خود را ابراز کنم. بدون استفاده از راهنمایی‌های ایشان این کتاب آماده انتشار نمی‌بود. همچنین از انتشارات «گپ» که در انتشار این کتاب مشتاقانه همکاری نمودند، سپاسگزاری می‌کنم.

یادداشت ناشر

این نوشته حاصل همکاری مشترک یک پزشک و یک روزنامه‌نگار است؛ اما به توصیه‌ی دکتر باربارا نترسون - هوروویتز (Barbara Nattersosn-Horowitz) نویسنده‌ی کتاب، برای حفظ ماهیت پزشکی اثر، به گونه‌ای نوشته شده که گویی تنها یک نفر - همان پزشک - با خواننده سخن می‌گوید. اگرچه تلاش شده در این کتاب از مرزهای پزشکی انسان فراتر رفته و جانوران گوناگون نیز بررسی شوند.

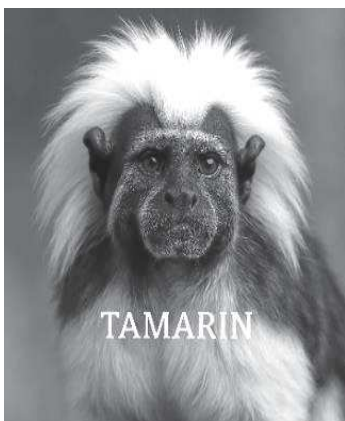
بیشتر مصاحبه‌ها را هر دو نویسنده انجام داده‌اند؛ اما در مواردی استثنایی تنها یکی از آن‌ها این کار را بر عهده داشته است. آنچه در نهایت شکل گرفته، تنها نتیجه‌ی تلاش این دو نویسنده نیست، بلکه با همکاری شمار زیادی از پزشکان، دامپزشکان، زیست‌شناسان، پژوهشگران، دیگر صاحب‌نظران و حتی بیماران (که در موارد ضروری با نام مستعار معرفی شده‌اند) به‌ثمر رسیده است.

این کتاب با صرف زمان بسیار و بهره‌گیری از تخصص و دانش همه افرادی که در نگارش آن مشارکت داشته‌اند تدوین شده است.

فصل اول: زوبیکویته

در بهار ۲۰۰۵ میلادی رئیس دامپزشکی باغ وحش لس آنجلس با صدایی نگران و دستپاچه به من تلفن کرد: «سلام باربارا چطوری؟ می تونی امروز سری به ما بزنی؟ به نظر می رسد تامرین زیبای ما مشکل قلبی پیدا کرده.»

گفتم البته، فوری سوار ماشین شدم و به سمت باغ وحش حرکت کردم. در آن زمان، حدود ۱۴ سال بود که به عنوان متخصص قلب در مرکز پزشکی لس آنجلس به درمان بیماران قلبی مشغول بودم. هر چند وقت یکبار دامپزشک باغ وحش برای رفع مشکلات قلبی بعضی حیوانات با من مشورت می کرد. از آنجایی که لس آنجلس یکی از مراکز درجه یک جراحی قلب انسان است با انواع مشکلات قلبی آشنا و صاحب نظر بودم اما مشکل قلبی در حیوان کوچکی مثل تامرین با آنچه تجربه کرده بودم متفاوت بود. در حالی که ذهنم درگیر این افکار بود به سمت باغ وحش بزرگ ۶۰ هکتاری در شرق کالیفرنیا می راندم.



وارد سالن کاشی کاری شده‌ی معاینه‌ی حیوانات شدم. کمک دامپزشک با حیوانی کوچک و ظریف که در پتوی صورتی رنگی پیچیده بود وارد شد و در حالی که بسته را روی میز معاینه می گذاشت، گفت؛ این «اسپیتزبوبن»^۱ است. در یک لحظه قلمم فشرده شد. این تامرین زیبا و کوچک که به امپراتور تامرین نیز شهرت دارد خیلی ملوس و نازنین در بغل پرستار خوابیده و به من زل زده بود.

۱. Spitzbuben یک نوع شیرینی کوچکی که در وسط یا لای آن، مربای شیرین گذاشته می شود. در اینجا اشاره به نام تامرین بیمار دارد که به آب نبات ترجمه شده است. (م)